

## وب سایت استاد موسوی



تاریخ روز : ۰۷ / ۰۴ / ۱۳۹۷

تاریخ ثبت : ۲۷ خرداد ۱۳۹۵

عنوان : انتصاب ولایت از سوی حق

«بسمه تعالی»

### انتصاب ولایت از سوی حق

بیان پیرامون اصل و عظمت گوهر ولایت است. در ابتدا باید بدانیم که سخن از مقام ولایت سخن از انتصاب‌هایی که توسط بشر صورت می‌گیرد، نیست بلکه سخن از مقام ولایت، سخن از فرمان و انتصاب از سوی حق است. یعنی خدای متعال یک معظم را از سوی خود برای احمدش برگزید تا بشریت بیابد ولایت همراه نبوت است.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که:

آیا انتصاب ولایت، یعنی جانشینی محمد مصطفی(ص) به شیوة جدل، قیاس و اجماع امکان‌پذیر است؟ یعنی چنانی که در امورات اجتماعی، برای گزینش شیء یا فردی، از شیوة "جدل" بهره می‌گیرند، چیزی را می‌گزینند و رد و ایراد می‌کنند، آیا مردم زمان رسول الله (ص) برای انتصاب ولایت، می‌توانستند از شیوة "جدل" قیاس و یا اجماع بهره ببرند؟

اما برای رسیدن به پاسخ این پرسش باید به بررسی "جدل"، "قیاس" و "اجماع" که در جوامع بشری صورت می‌پذیرد پرداخت که آیا در رویدادهای مختلف اجتماعی و علمی بهره‌گیری از سه ابزار فوق سبب رشد و تکامل آن مسائل است یا باعث رکود و فساد خواهد شد؟ و آیا در بحث ولایت نیز می‌توان از جدل، قیاس و اجماع کمک گرفت؟

محقق و فیلسوف مثاله حضرت استاد دکتر سید علی موسوی در رساله واجب الوجود، مرحله ششم، صفحه 481 به بحث پیرامون اثرات جدال علمی پرداختند و نظر یکی از بزرگان غربی بنام "آندره پیترو" را مطرح کردند که درباره جدال علمی گوید: کار جدال علمی این است که اندیشه را به عمل تبدیل می‌کند و رازهای نهفته در علم را آشکار می‌سازد. بدین معنی که گاهی دیدگاه‌های مثبت و موافق و گاهی دیدگاه‌های منفی را مورد بررسی قرار می‌دهد و رد و ایراد می‌کند تا موج علمی تقویت شود. چنانی که در فلسفه توحید یا ولایت هم این‌گونه است که اگر یک‌سویی جلو برود و یک بعد را مدّ نظر قرار بدهد، به جایی راه نیافته و دگماتیسم می‌شود. یعنی انسان باید از درون خارها به گل‌ها راه یابد نه این‌که همیشه جلو راهش گل باشد، نه، باید از درون چاله‌ها به جاده‌های روشن روان شود. از این گذر است که می‌توان به حق رسید. [1]

اما شیوه دیگر برای گزینش‌ها همان‌طور که ذکر شد، استفاده از "قیاس" است. می‌خواهیم به این موضوع بپردازیم که آیا از قیاس می‌توان در حل مسائل بهره گرفت یا خیر؟ و آیا در قضیه سقیفه بنی‌ساعده استفاده از قیاس برای تعیین جانشینی پیامبر امری مصاد بوده است؟

در ابتدا به تعریف لغت "قیاس" که معظم له در صفحه 529 از همان رساله بیان فرمودند می‌پردازیم. قیاس یعنی این را به آن سنجیدن، این را به او عرضه کردن. اما آیا حق داشتند علی(ع) که عین شکوه الهی و جمال الهی است را با دیگران مقایسه کنند؟! اصلاً باید دید آیا مذهب قیاس را در احکام می‌پذیرد؟ [2]

شیوه سوم، "اجماع" است. معظم له در رساله "قوه و جوهر" در صفحه 162 به تحقیق پیرامون اجماع پرداخته‌اند و تثبیت نموده‌اند این امر حقیقتی است در عالم که نه نص کلام... است، نه بیان پیغمبر، بلکه این حقیقت از فکر مردم درست می‌شود. پس اجماع در مسائل بشری سبب تقویت و تکامل موضوع می‌شود و حتی در مسائل فقهی یکی از پایه‌های ادله چهارگانه است که فقها از گذر عقل و نقل و اجماع و سنت به استنباط احکام می‌پردازند. اما مساله جانشینی پیغمبر، جانشینی یک انسان ساده نیست که زاده فکر بشری باشد، بلکه این تعیین ولایت و جانشینی از سوی حضرت حق صورت گرفته است.

پس طبق آنچه مختصراً بیان شد، یافتیم با این سه ابزار قیاس، جدل و اجماع نمی‌توانیم به حریم قدیس ولایت که از مامن الوهیت سرچشمه گرفته، وارد شویم. چنانکه حضرت حق خطاب به احمدش می‌فرماید:

«یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس، ان الله لا یهدی القوم الکافرین» [3]

حضرت استاد در رساله هود، مرحله دوم، صفحه 190 می‌فرمایند: در سفر حجة الوداع یعنی سفری که سیر زندگی پیغمبر بظاهر در این عالم ناسوت به هم نوردیده می‌شد و باید این عظمت از چشم مردم به ظاهر پوشیده گردد، این‌جا دیگر حضرت اله پایان فیض و رحمت را بر احمدش اعلام داشت که یا احمد از این‌جا به بعد دیگر باید علی ما را به مردم معرفی کنی و بگویی «علی(ع) جانشین من است».

تا آن‌جا پیامبر گاهی بالکنایه و گاهی بالصراحه در جلسات خصوصی می‌فرمودند که «علی جانشین من است»، تا مقدمات بازگشت رسول اکرم از مکه به سوی مدینه فراهم شد و اسراری که در این مورد نهفته بود، در مسیر بازگشت رسول... از آخرین سفر حج، قبل از غدیرخم، با نزول آیه "یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک" آشکار گشت که قسمت اول این آیه، در مکه و مابقی در مسیر راه مدینه نازل شد.

بسم... الرحمن الرحیم

1- یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک

2- و ان لم تفعل فما بلغت رسالته

پیغمبر ما، باید این جلوة الهی، جمال الهی و عین الهی علی(ع) را در نزد همه بگویی که «او جانشین من و امام و پیشوای شماست». پیامبر مانده بود که چه کند؟! فرمان آمد: «بلغ ما انزل الیک!»، آنچه بر تو نازل می‌شود، ابلاغ کن!

حرکت کردند، مقداری که آمدند، خطاب آمد: یا احمد چرا نمی‌گویی؟ «و ان لم تفعل فما بلغت رسالته» یا احمد اگر آنچه را که ما می‌گوییم در آن سهل انگاری شود و بیان نشود، رسالت تو ناتمام خواهد بود. یعنی ولایت اصل و مکمل دین است. دین عالی است ولی ولایت اصل در دین است. بار دیگر جبرئیل آمد که یا احمد نترس "و... یعصمک من الناس"! خدا تو را از شر هر ذی شری برای نصب ولایت حفظ می‌کند. این جان آیه است.

در همان لحظه، فرمان توقف به کاروان داده شد. همه ماندند. از هرجهت در غدیر خم طی مقدماتی رسول الله(ص)، علی(ع) را برای جانشینی خویش بر همگان معرفی فرمود و نتیجه این‌که سر خدا با نصب ولایت علی آشکار گشت.

[1] . البته قابل ذکر است جدال، تحقیق و بررسی در امور علمی پسندیده است اما قسم دیگر از جدال، جدل در اجتماع است. این جدال سبب فساد و رکود اجتماع خواهد شد. این است که روایت شده زمانی که حضرت حجت ظهور کنند، چون تمام سهم‌ها به صاحب سهم می‌رسند، جدالی در عالم نخواهد بود و اجتماع از فساد مصون خواهد گشت.

[2] . اهل سنت و جماعت قیاس را در احکام شرع جایز می‌دانند ولی امامیه شیوه قیاس را نمی‌پذیرند. مثلاً اگر

قانون قیاس در محرمات پیاده شود، عرق از زیر پوست انسان می‌آید، بول بشر هم از همان جسم است. اگر قانون قیاس درست باشد چنانی‌که عرق پاک است، باید بول هم پاک باشد و اگر بول نجس است، عرق هم باید نجس باشد. بنابراین قیاس در قانون شرع از نظر علمای امامیه لایجوز.

قیاس در علم نیز طبق نظر حکما و عرفا پذیرفته نیست. زیرا باعث مرگ دانش می‌شود. مثلاً یک صنمی را در علم بدون کم و کاست انتخاب می‌کنند. دومین و سومین موضوع را هم به آن متصل می‌کنند. این‌جا مرگ فضائل می‌شود! هر موضوعی باید مستقلاً برای خودش برهان، دلیل و اشراقی داشته باشد. پس در علم هم نباید قیاس بیاید.

[3]. مائده(5)/67

منبع: از سلسله مباحث تحقیقی فیلسوف متاله استاد سید علی موسوی